

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه کلاس آداب الصلوه – شب دوازدهم ماه رمضان ۱۴۳۹

«فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم أنه ليس له سلطان على الذين آمنوا...»

تعبیرات محدثین از روایات پیرامون معنای استعاذه متفاوت است، اما همه معتقدند که انسان در مسیر سلوک به سمت خدا با یک دشمن به نام شیطان مواجه است.

دو سوره چهار سوره ای که با کلمه «قُل» شروع می شود، استعاذه است. اگر مسیر سلوک با همین چهار کلمه معنا شود، یعنی بیشتر راه استعاذه است. در کل عمر باید استعاذه کرد، چرا که شیطان لحظه ای انسان را به خودش وا نمی گذارد و در هر مرتبه ای از مراتب سلوک و در هر نقطه ای از مراحل کمال باشد، یک انحراف و یا مانعی برای توقف او درست می کند. شیطان، مفهومی مشترک بین تمام ادیان است. مهم ترین نقش شیطان ممانعت از توجه به خدا و طی کردن مسیر عبودیت است. لذا محل حضور شیطان راه خداست و به همین دلیل هم است که می گویند شیاطین دور حرم زیاد هستند. و باز به همین علت مومن نسبت به غیر مومن به وسوسه مبتلا تر است. وسوسه در عبادت است، در گناه شیطان کاری با آدم ندارد! تا به حال کسی گفته است که در گناه نمی توانم تمرکز کنم؟ آگاهی و آشنایی با روش های وسوسه شیطان یکی از مهم ترین ارکان استعاذه است.

معنای استعاذه پناه بردن و پناه خواستن است. استعاذه چهار رکن دارد. رکن اول مستعید است، یعنی کسی که استعاذه می کند. رکن دوم مستعاذ به است، یعنی کسی که به او پناه برده می شود. مراد خداوند حق تعالی است. رکن سوم مستعاذ منه است. از چه کسی بترسی و از شر چه کسی پناه ببری؟ که همان شیاطین جن و انس هستند. مستعاذ له را بعضی تعبیر به این کرده اند که مشکل فعلی چیست؟ شیطان با شما چه کاری دارد که می خواهید از آن پناه ببرید؟ آن مرتبه بالاتری که شیطان نمی گذارد به آن برسیم.

در رکن اول، یعنی فرد استعاذه کننده، مهم ترین نکته این است که هر چه ایمان فرد بیشتر باشد، اگر استعاذه نکرده باشد، شیاطین او بیشتر می شوند. هر چه درجه انسانیت بالاتر برود گرفتاری فرد بیشتر می شود. لذا از آفت های سلوک است. شیطان دشمن راه خداست. اگر راه خدا را نروی، با تو که کاری ندارد. نیروی منفی شیطان

را کسی حس می کند که می خواهد به سمت خدا برود. خیلی از مشکلاتی که مومنین دارند را غیر مومنین ندارند. مومنین بیشتر از همه مبتلا به وسوسه هستند.

شیطان شدیداً با جوان کار دارد! برای شیطان یک جوان به اندازه ۱۰۰ آلوده می آرزود!

استعاذه چگونه اثر می کند؟ الفاظ استعاذه اگر با توجه به معنا و حقیقی گفته شود، قلب مملو می شود از نور خدا و شیطان نمی تواند کاری کند.

رکن سوم (مقدم بر رکن دوم) مستعاضاً منه است که ابلیس است. هر چه فرد سالک بهتری باشد، احساس می کند بیشتر به استعاذه نیاز دارد. مهم ترین چیزی که شما را در این رکن کمک می کند این است که این موجود را بشناسید، وجودش را اقرار کنید و قدرت هایی که از خدا گرفته را تصدیق کنید. همه بزرگان عالم گفته اند که در تمام طول زندگی انسان یک موجودی است که شما را رها نمی کند و آن شیطان است. این انسان است که از بین بدترین موجود تا بهترین موجود در حال تناوب است. چرا که شیطان با او کار دارد. در قرآن آمده که شیطان قسم خورده است که همه را گمراه کند. تا باورش نکنیم و آن را احساس نکنیم، استعاذه درستی نخواهیم داشت.

شیطان سگ درگاه الهی است، در درون افراد نفوذ می کند تا آدم از غیر آدم مشخص شود. شیطان اگر حب دینا را در دل کسی ببیند، او را رها نخواهد کرد. حضرت عیسی (ع) زاهد الانبیاء بود، نه ازدواج کرد، نه خانه ای داشت، نه رختخوابی داشت و ... یک روز که خواست کنار ساحل استراحت کند مقداری از ماسه ها را جمع کرد تا بالشی از ماسه درست شود و سرش را روی آن بگذارد. تا سر روی ماسه ها گذاشت شیطان را بالای سر خود دید که دارد می خندد! خطاب به حضرت عیسی (ع) گفت که ازت خوشم آمد. حضرت پرسیدند چرا؟ گفت وقتی که می خواستی سر روی شن ها بگذاری دیدم دستت روی آن ها کشیدی [تا صاف شود] فهمیدم که تو هم بدت نمی آید که بالش صافی داشته باشی! (از لذت دنیا بدت نمی آید!) برای همین به تو امیدوار شدم. اهمیت رکن سوم استعاذه برای این است که دشمن را بشناسی و محدوده عملکرد آن را بدانی و از کارش با خبر باشی.

رکن دوم همان حضرت حق است. باید خدا را شناخت. در مرحله دوم مهم ترین رکن استعاذه ارتقاء معرفت توحیدی و به توجه به مقام ربوبیت پروردگار است. اینکه خدا را به ارحم الراحمین بودن بشناسی و کاری کنی که استحقاق عفو داشته باشی. بفهمی که خدا بنده را رها نمی کند.